

## به آقای رضا پهلوی در باره "میثاق با مردم" ش . . .

در تاریخ سه شنبه اول بهمن ماه ۱۳۸۱ اطلاعیه ای تحت عنوان " میثاق با مردم " از طرف شما به چاپ رسید. در این برگه تاریخی شما دیدگاههای خود را در باره مسائل مختلف مانند: آینده ایران، اقتصاد در ایران، وضعیت اجتماعی و سیاسی در جهان، اتحاد ملی و تاریخچه گذشته و ... بیان کرده اید. در مهمترین بخش این میثاق آمده است: "برای اینکه مشروعیت مردمی نظام پادشاهی در زیر سایه مکانیزم موروثی بودن قرارنگیرد می توان از هم اکنون تدابیری اندیشید که نماد پادشاهی مشروطه هیچ گاه خود را از تجدید حمایت مردمی بی نیاز نبیند."

در چکیده میثاق خیلی چیزها گفته شده و در عین حال گفته نشده است. در این جا برای من بعنوان یک شهروند ایرانی سئوالاتی طرح می شود که برای خیلی ها هم شاید طرح شده باشد. مثلا منظورتان از تدابیری برای اینکه مشروعیت نظام پادشاهی را از زیر سایه موروثی خارج کنیم، چیست؟ اصلا برای چه باید پادشاهی از زیر سایه موروثی بودن خارج شود؟

اگر این طور باشد پس پادشاهی دیگر معنا ندارد!!

چرا شاهزاده ایران چنین قولی را می دهد؟ و یا چرا از مردم چنین خواسته ای را دارد؟ مگر او تحت فشارهایی قرار دارد و یا قرار گرفته است؟ اگر این کار را بپذیریم که رضا پهلوی دیگر شاهزاده نیست بلکه یک شهروند ساده ایرانی است که در خارج از ایران مثل دیگر تبعیدیان زندگی می کند.

حالا اگر از خاصیت موروثی پادشاهی کم شود و یا تدابیری اندیشید که در قانون اساسی نوع دیگری طرح شود، پس نماد پادشاهی مشروطه دیگر چه حمایتی از مردم در دراز مدت احتیاج دارد؟ اگر آقای رضا پهلوی خود را وارث خاندان پهلوی نمیداند و از حالا حاضر هستید موروثی بودن را به نوع دیگری ترتیب دهد، پس همه این تلاش ها و این میثاق ها برای چیست؟؟!! چرا به این نتیجه رسیده است؟

اگر نشان شاهزاده گی را از رضا پهلوی بگیرند دیگر چه چیزی باقی می ماند: هیچ.

رضا پهلوی متولد چه سالی است؟ در کجا بدنیا آمده و تحصیلاتش چیست؟ تخصصش چیست؟ در حال حاضر به چه شغلی مشغول است؟ در کدام مبارزات سیاسی و اجتماعی شرکت کرده و در کدام مناظره سیاسی فعال بوده؟ با کدام پشتوانه می خواهد با مردم میثاق ببندد؟ و تازه چه میثاقی!!!!

برنامه اش چیست؟ کدام تجربه تاریخی سیاسی اجتماعی دارد؟ در کدام تظاهرات دیده شده است و کجا اضولا بحث کرده است که حاضرین متوجه دیدگاه و نظراتش شده اند؟ که حالا فراگروهی می خواهد رهبری یک کشور و یا انقلابی را از آن خود کند؟؟؟؟؟

با توجه به سئوالات ساده و گذرای بالا که به ذهن هر ایرانی در داخل و خارج کشور می رسد وقتی میثاق را می خواند، با تعجب سئوال خواهد کرد پس رضا پهلوی با این پیمان و میثاق چه قصد و هدف دیگری را تعقیب می کند که مستقیم و صادقانه نمی تواند با مردمش طرح و بیان کند؟

اما در عین حال در جای دیگر از میثاق می نویسد: " که حاکمیت بی قید و شرط تنها از آن مردم است و او مظهر وحدت ملی و تداوم بخش هویت تاریخی و نماد یگانگی مردم در دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور خویش است."

اگر موروثی بودن را که پیش شرط پیشنهادی از طرف خود اوست برای رهبری برداریم، پس دیگر او چه نماد یگانگی است؟ و این چه هویت تاریخی است که با حضور ایشان باید حفظ می شود؟ حالا چرا این شهروند ایرانی تبعیدی باید نشانه نماد یگانگی باشد و نه کس دیگری؟؟؟ چه خصوصیتی و امتیازی او دارد که موجب یگانگی و وحدت ملی می شود؟؟!!!!

آقای رضا پهلوی اگر نگاهی کوتاه و گذرا به تاریخ کنید خواهید دید که چگونه قانون اساسی ایران تغییر کرد. مردم ایران از حالا نمی توانند هیچ تضمینی برای این خواسته شما بدهند. این خواسته پشتوانه ای ندارد. پس موضوع انتخابات بین پادشاهی و جمهوری که شما در میثاق از آن صحبت کرده اید با این تضمین خواسته شما از بین می رود. یعنی دیگر انتخابات بین این یا آن معنا و باری ندارد. این ها تناقضات متن است. نتیجه ی دیگری که می توان از این میثاق گرفت این است که شما می خواهید بندهایی را در قانون اساسی آینده ایران وارد کنید که مهر ابدی نظام پادشاهی بر ایران را برای همیشه در قانون اساسی بزنید. و شاید به همین دلیل است که در این برهه تاریخی از جنبش مشروطه و مشروعه تا نام و نشان ایران در جهان صحبت می کنید. نظام پادشاهی در ایران مثل پادشاهی در افغانستان نیست. حادثه افغانستان در منطقه بار دیگر تکرار نخواهد شد. مدل افغانستان بعد از این چند ماه امتحان خود را پس داده است. به اضافه اینکه امریکائی ها افغانستان را آباد نمی کنند بلکه نابود کرده اند. این طور به نظر می رسد که شما بیشتر در پی ماجراجوئی سیاسی در منطقه هستید و قصد دارید رمبوی منطقه شوید؟

مگر به جزء این است که شما، نه برادر و یا خواهر شما، بلکه شما به اعتبار اولین وارث تاج و تخت همه این آرزوها را در سر می پرورانید و قصد دارید فرا گروهی بعنوان پادشاه وارد ایران شود؟ در هر صورت روشن نیست پادشاه وارد ایران می شوید و یا شهروند؟ اگر پادشاه که دیگر کار از کار گذشته است. و انتخابات بین این یا آن قولی است واهی!!! خوب حالا به کدامین اعتبار بعنوان پادشاه؟ مسلما به اعتبار پدرتان و ارثیه او؟؟؟ و یا به اعتبار پدر بزرگ تان و ارثیه خاندان پهلوی؟؟؟!

با آمدن جمهوری اسلامی و جنایات بی حد و حصر آن ها مردم فراموش کردند که باید به حکومت شاه سابق یعنی پدر شما بپردازند. چرا که دوباره به همان زندان های ساخته شده توسط شاه سابق یعنی پدر شما فرستاده شدند و یا به جوخه های اعدام ساخته شده در دوران حکومت شاه سابق یعنی پدر شما! در زندان های مخوف اوین و ... که افتخار خاندان پهلوی یعنی پدر و پدر بزرگ شما است، سپرده شدند. جمهوری اسلامی بقیه زندان های مدرن را از روی خود را ساخت.

بنیان جمهوری اسلامی در دستان پر بار شاه سابق یعنی پدر شما گذاشته شده است. شما ممکن است فراموش کرده اید یا انکار می کنید یا اصلا مهم برایتان نیست اما ما که فراموش نکرده ایم، که چگونه دستگاه سانسور در دوران شاه سابق یعنی پدر شما قانونمندی پیدا کرد، و یا فراموش نکرده ایم که در دوران سلطنت پهلوی یعنی پدر شما هر کس که یک کتاب می خواند دستگیر شده به حبس از سه سال تا ابد فرستاده می شد. همین نویسندگانی که شما بعنوان فرهنگ سازان از آن ها نام می برید و به آن ها افتخار می کنید و بصورت کناری جزء متحدین خود معرفی می کنید، همین ها در بیدادگاه های پهلوی محاکمه شده اند. و شما حالا به جمهوری اسلامی برای سلب آزادی انتقاد می کنید؟

بسیاری از روسای مدارس دختران و پسرانه ساواکی بودند یعنی بچه های محصل و معلم ها را زیر نظر داشتند. حق بیان و اندیشه و اندیشه پروری برابر با زندان بود، در هر خانواده ای حداقل یک ساواکی و یا یک ساواکی افتخاری وجود داشت. همین دانشگاهیان که شما به آن ها افتخار می کنید و دانشگاه را خط مقدم جبهه آزادی خواهی و دفاع از حقوق اساسی نام می برید، بارها و بارها محل تاخت و تاز سازمان امنیت شاه سابق یعنی پدر شما

قرار گرفته است. می دانید چقدر دانشجوی زن و مرد و استاد دانشکاه را به دستور پدر شما دستگیر کرده و به کوچترین دلایل و به بهانه یک کتاب و یا یک شعر نابود کرده اند؟ که گویی آن ها به ساحت مقدس ملوکانه توهین کرده اند.

کانون نویسندگان بعنوان یک کانون صنفی هنرمندان حق آزادی بیان نداشت. دستگاه سانسور شاه سابق یعنی پدر شما در کنترل بیداد می کرد. همین فرهنگ سازان کشور که شما از آن ها نام برده اید، همین ها در بیدادگاه های پهلوی حکم اعدام گرفته اند و اعدام شده اند. مگر این ها فرزندان این سرزمین و کشور نبودند مگر همین ها بجز استقلال و آزادی چیز دیگری می خواستند. آن ها درست مثل شما. بله درست مثل شما منتهی ۲۵ تا ۳۰ سال پیش، اما آن ها همه نابود شدند. همه کسانی که انتقادی می کردند و یا می نوشتند و یا انتقادی فکر می کردند و صدایی داشتند یا اعدام شدند یا به محل های بد آب و هوا تبعید شدند.

جمهوری اسلامی موجبات افتخار حکومت پهلوی را ناخواسته و نا آگاهانه فراهم کرد. نام از دست رفته و منفور شاه سابق و حکومت شاهنشاهی اش در مقایسه با این حکومت ددمنشانه و خونخوار دوباره کسب آبرو کرد، آن هم تا جائیکه که بازمانده شاه سابق به فکر بازگشت به ایران و حکومت افتاده است.

اگر پدر شما کمتر دیکتاتور بود و برای مردم نقش قیم را بعهده نمی گرفت و وابسته مطلق به امریکا نبود و به کشور ایران به عنوان کشور ایران نه کشور خودش نگاه نمی کرد، این حکومت ددمنشانه و آدمخور سر کار نمی آمد. اگر پدر شما ایران را ملک شخصی خود نمیدید و کشور را برای مردم می خواست نه برای خود و اطرافیانش. این جمهوری را ما نداشتیم. این فقر و فلاکت و شرم روزانه زن و مرد را در نگاه ها و رفتارهای کوچک و خیابان نداشتیم. این بی فرهنگی و بی اخلاقی و بی پولی و بی کاری و بی خانمانی و بی وجدانی و بی آبرویی روزانه را ما نداشتیم. می دانید چند نفر به همین دلایل که به چشم نمی خورند و قابل لمس نیستند خود را سوزانده اند و یا با تمام اهل خانواده ی خود، خود را نابود کرده اند؟!!!!

جمهوری اسلامی پیامد حکومت استبدادی سلطنتی است که به استبداد مذهبی تبدیل شد. استبداد ماند و فقط سلطانش عوض شد.

در تاریخچه کوتاه بر شمرده دوران در " میثاق با مردم " از پدرتان قدردانی کرده اید. حتی حاضر نیستید شاه سابق را نقد کنید. شما باید از درون نقد سیاسی اجتماعی اقتصادی شاه سابق به این نتایج برسید نه از قدردانی از او و در پی کارهای "پرافتخار" او.

قابل فهم است که شما پدرتان را دوست داشته باشید. مهر پدری چیزی نیست که با هیچ محبتی قابل تعویض باشد. اما ما در این جا از پدرها صحبت نمی کنیم از شاه ایران، که شاه شما هم بود، صحبت می کنیم. شما باید شاه خود را نقد کنید و بعد پیمان جدید با مردم ببندید.

شما در این میثاق چشم اندازی ارائه نمی دهید. چه برنامه ای برای زنان، برای آموزش و پرورش، برای آزادی بیان و اندیشه، برای آزادی های سیاسی اجتماعی، برای آزادی های حقوقی و مدنی، اقتصادی ... دارید؟؟؟

چه چیزی را از مردم می خواهید؟ و در مقابل آن می خواهید به مردم چه ارمغان بدهید؟ فقط در تمدن های مدرن جهانی جا گرفتن که حرف نشد!! جای سابق ایران را در جهان کسب دوباره کردند که نان و آب و مسکن و کار نیست!!

جمهوری اسلامی مملکت را به همه فروخته است، با چه برنامه ای می خواهید قراردادها را پس بگیرید؟ اقتصاد ایران را چگونه می خواهید رونق دهید آن جائیکه بدهکاری های سرسام آور دارد؟ و ... در گفتگوهای پشت پرده چه قول هایی به امریکائی ها داده اید؟ نتایج گفتگوهایتان با اروپا چرا رسمی اعلام نشده است؟ چرا با اروپا به توافق نرسیدید؟

شما از دمکراسی اروپایی و یا کشورهای "دمکرات و لیبرال" صحبت می کنید، منظورتان همین کشورهای است که در هر چند ثانیه اش به یک کودک تجاوز می شود، و یا در هر چند ثانیه اش به یک زن تجاوز می شود و در هر چند دقیقه یک بار یک قتل اتفاق می افتد؟ و یا کشورهای که در آن انسان کالا می شود و در همه عرصه ها مثل فحشا زنان و کودکان و مردان جوان که قابل فروش است؟، و یا نوید کشورهای را می دهید که در تبلیغات مطبوعاتی، رادیو و تلویزیون و اینترنت برای تحمیق شهروندان از بچه ها تا جوانان و زنان و مردان فعالیت می کند تا همه چیز انسان را، تا عاطفه اش را قابل فروش نشان دهد؟؟ در چنین کشورهای انسان ها تاریخ مصرف دارند و وقتی تاریخشان گذشت، مسخ شده فقط مردگان متحرک هستند. این است بشارت شما!!

در باره اتحاد ملی در "میثاق با مردم" صحبت می کنید. منظورتان کدامین ها هستند؟ کدام نیروهای دمکرات و مترقی؟ این انجمن های دمکراتیک ریز و درشت در خارج از کشور که نان دانی عده ای است برای امرار معاش، محل تجمع ایرانیان برای تفریح و دیدار مجدد و برگزاری سخنرانی ها و جشن و دیسکو. بیشتر محل و مکان هستند تا یک واحد و یا یک نهاد دمکراتیک. نمایندگان شما هم که در شهرها و یا سلطنت طلبان که بسیاری از آن ها از بدنام ترین شهروندان خارجی و در بین ایرانیان که نام خوشی ندارند، هستند. روی سخن تان با کیست؟؟ متاسفانه مبارزات دمکراتیک در بین ایرانیان سابقه و تاریخچه ای مثل کشورهای اروپایی ندارد تا از درون و دل این مبارزات نهادها و گروه هایی ساخته شده باشد برای نمایندگی سیاسی و فکری قشر معینی و مهم تر از همه طبقه معینی. باز هم باید به دوران پدر شما رجوع کنیم. در ایران قبل از جمهوری اسلامی اضلا امکان مبارزات دمکراتیک برای پرورش نیروهای دمکرات وجود نداشت، تا از درون آن مبارزات احزاب دمکراتیک، و یا چپ و یا راست شکل بگیرند. همه دارای تفکر انتقادی چپ قلمداد می شدند. به همین دلیل چپ ها باید برای آزادی بیان و اندیشه طبقات دیگر هم مبارزه می کردند تا برای آزادی اندیشه و بیان طبقه کارگر.

گروه های اجتماعی نمایندگان سیاسی خود را نداشتند و ندارند تا از آن طریق بتوانند در مجلس و پارلمان شرکت کنند. ما در دوران پدر شما اضلا حزبی نداشتیم بجزء حزب فرمایشی رستاخیز. اما اگر به تاریخچه احزاب در اروپا و امریکا توجه کنید به بیش از یک ضد سال می انجامد. حزب توده در ایران حزب مستقلی نبود و دست کمی از حزب رستاخیز در وابستگی نداشت.

پس باید اول سؤال کنیم کدام نیرو در ایران؟؟؟ در ایران که تجمع ممنوع است شکل دادن نهاد ممنوع است، پس می مانند افراد. فرد هم اگر متشکل نباشد نیرویی نیست که بتواند سازماندهی حرکتی را بعهده بگیرد. افراد هم در ایران حاضر نیستند تنها و تکی در دفاع از شما و با نام شما در مقابل گلوله های جمهوری اسلامی قد علم کنند. پس حداقل چند دلیل بیاورید که این انسان ها برای اینکه شما به قدرت برسید، در مقابل گلوله و زندان و اعدام بایستند!!!

و تازه چرا برای شما خود را به کشتن بدهند؟؟ البته امیدوارم این برداشت نشود که من خواستار کشتار و خونریزی هستم، همانطور که شاه سابق با کشتار و خونریزی رفت این حکومت هم بدتر از آن خواهد کرد. کشتار و خونریزی توسط دولت ها به مردم تحمیل می شود. این حکومت جمهوری اسلامی با ناز و نوازش بیرون نخواهد رفت.

این نیروهای دمکرات باید از کدام قشر و طبقه باشند؟؟! به نظر شما که این میثاق را نوشته اید کدام قشر اجتماعی و طبقه اجتماعی حاضر است به خاطر شما با این سابقه تاریخی خانوادگی و سابقه شخصی سیاسی جلوی گلوله بایستد؟؟ اگر منظورتان آن هایی هستند که با شمع در خیابان های شمال شهر تهران در حرکت هستند، متاسفانه باید بگویم که در اشتباه محض هستید. آن ها خانه های شیک خود را جلوی خمپاره حکومت قرار نمی دهند و با ماشین های آخرین مدل شان در نظاهرات شرکت نمی کنند و مهمتر از همه تفریحات شبانه را به دور هم جمع شدن و برنامه ریزی سرنگونی جمهوری اسلامی، نمی فروشند. در نتیجه شما نیروئی ندارید که پشت سر شما تا

پایان کار بایستد. چرا که شما اپوزیسیون پر طرفداری نیستید و جدی قلمداد نمی شوید. و یا شما از طبقه و قشر اجتماعی ای صحبت نمی کنید و یا منظورتان " همه با هم " است ؟؟؟؟

تنها راهی که برای شما باقی می ماند، آن است که مبارزات خودجوش مردم بیش از حالا اوج بگیرد و شما بر آن اوضاع بعلتی عدم حضور اپوزیسیون جدی سوار شوید. همان کاری که شما در "میثاق با مردم" برای ملاها تقبیح کرده اید.

این مدل کسب قدرت سیاسی شما و آزادیخواهان و دمکرات هایی که شما دور خود می خواهید جمع کنید؟؟؟؟ من بر این باورم که شما نماینده فکری سیاسی قشر و طبقه اجتماعی هستید که حاضر نیست در مقابل این حکومت بایستد و او را سرنگون کنند.. همین ها که شما نمایندگی شان می کنید دست در دست ملاها در حال چاپیدن هستند.

اقتضای میانی رو به پائین و زحمتکشان و کارگران متشکل و غیر متشکل اعتمادی به شما ندارند. آیا شما بر این باور هستید که آن ها را نمایندگی سیاسی می کنید؟؟؟؟؟؟؟؟

در این میثاق شما بیش از همه نگران منافع اقتصادی آن هایی هستید که در جا های دیگر سرمایه گذاری می کنند. شما نگران سرمایه هستید نه مزد و انسان !

دولت های اروپایی و امریکا هم در گفتگو با شما همین ها را گفته اند والا شما از سرمایه بیگانه ها در کشور دچار نگرانی نمی شدید. یعنی همان کاری را که سرمایه های کلان از اصلاح طلبان می خواستند برای سرمایه های خارجی بکنند موفق نشدند حالا از شما انتظار می رود.

بحران جهانی سرمایه موضوعی ایست که هر روزه مردم در جهان با آن دست و پنجه نرم می کنند. شما اصلا به آن اشاره ای نکرده اید و نگفته اید که به نظر شما ایران و آینده ایران با شما در این بحران جهانی کجا قرار دارد و چه نقشی در جنگ بین اروپا و امریکا در منطقه بعهدده خواهد گرفت.

آقای رضا پهلوی

شما در همین میثاق نشان دادید که هنوز در کشاکش مبارزات سیاسی به اندازه کافی تجربه نیاموخته اید. شما ممکن است برای تماشای فوتبال امریکایی یک ماه روی سکوی تماشاچیان بنشینید و همه چیز را فدای آن کنید، اما هرگز بازیکن نبوده اید، در عرصه سیاست هم همین وضع را داشته اید. یکی از آن کتک های توی زمین بازی سیاست را نمی توانید تحمل کنید. شما نمی توانید با این حیطة از دانش سیاسی و جایگاه طبقاتی اجتماعی در زمین سیاست فعال شوید.

حکومت کردن کار ساده ای نیست. دولت داری و دیوانسالاری کاری است بسیار پیچیده. لطفا گول اطرافیان غیر مسئول و مجیزگو را نخورید.

این ها را با صداقت کامل می گویم. شما هنوز شخصا دستتان به خون مردم آلوده نیست. خودتان را جدی بگیرید و مردم ایران را همینطور.